

متن پرسش

سلام: استاد، فکر کردم که نظری به سخنان آقای مهدی نصیری در رابطه با تأیید دکتر فردید و نفی حکمت صدرایی بیندازید و نظر خود را بفرمایید. سخنان امروز مهدی نصیری در مراسم رونمایی از مستند «تئوریسین خشونت»: بسم الله الرحمن الرحیم. از سازمان اوج و کارگردان جناب آقای کوقان تهیه کننده جناب آقای مطهر بابت ساخت این فیلم تشکر می کنم. این کمترین ادای دینی است که جمهوری اسلامی نسبت به مرحوم فردید باید می کرده. بالاخره این باید جایی ثبت می شد که پس از پیروزی انقلاب، جریانی که مدعی جامعه باز و تساهل و مدارا بوده با یک استاد و معلم و متفکر و حکیم و انقلابی و پیرمرد و مسن - که نه در پی ریاست و مقامی بود و نه اهل کار سیاسی - به گونه ای برخورد و جوسازی کرد که کمتر کسی جرات تفوه به اندیشه ها و گرایش به ایده ها و افکار او را داشته باشد. نه فردید به دنبال ایجاد فردیدیسم بود و نه هیچ یک از شاگردان و علاقه مندان به او دنبال چنین چیزی هستند. ایسم و مکتب سازی اختصاص به خدا و پیغمبر و امام معصوم دارد و شیعه هیچ شخصیت و اندیشمند غیر معصومی را مطلق و غیر قابل نقد نمی داند و اصل اجتهاد در شیعه معنایی جز این ندارد. تمام حرف این است که می گوئیم - به خصوص به نسل جوان - که فردید مانند تعدادی دیگر از متفکران حرفهایی برای خواندن و تامل کردن دارد. افراد و متفکران زیادی در قبل و پس از انقلاب جذب حرفها و اندیشه های فردید شدند و آن را جدی گرفتند و براساس آنها منشا آثار شدند که از جمله آنها شهید سید مرتضی آوینی بود. کتاب غرب زدگی جلال آل احمد نمی از نم اندیشه های فردید بود. حتی کسانی که بعدا با اندیشه فردید زاویه پیدا کردند تمام شهرتشان را از آثاری گرفتند که تحت تاثیر فردید نوشته بودند. مرحوم دکتر شایگان با آسیا در برابر غرب، شایگان شد و نه با زیر آسمان های جهان. برخی می گویند اندیشه فردید منجر به انفعال می شود. بهترین دلیل رد این حرف این است که اگر چنین بود باید مخالفان لیبرال فردید که با انقلاب اسلامی میانه ای نداشتند، بیش از همه از اندیشه های فردید استقبال می کردند ولی می دانیم که آنها دشمن اصلی فردید بودند. از اندیشه فردید نه انفعال و کنش گریزی بیرون می آید و نه برخورد سطحی و سیاست زده با تمدن غرب و مدرنیته. اندیشه فردید از آن جهت برای بنده اهمیت دارد که می تواند خلا و فتور و سستی غرب شناسی در جمهوری اسلامی را جبران کند و ما را از گفتمان سطحی نقد صرفا اخلاقی و برخی از وجوه فرهنگی مدرنیته به نگاه ماهیت کاو و پرسش از ذات عمیقا خودبنیاد و نیست انگار مدرنیته رهنمون کند. یکی از مهمترین عناصر اندیشه فردید طرح مساله تفکر آماده گر و اصل مهم انتظار است که شهید آوینی هم از این عنصر قویا الهام گرفته است و می گوید فصل الخطاب و خاتمه

دهنده وضع موجود عالم انسان کامل و حجت معصوم خداوند علیه السلام است. به نظرم این اندیشه ای بسیار راهگشا برای جمهوری اسلامی می تواند باشد که از یک طرف مدعی تحقق اتوپیا فراتر از توان و ظرفیت یک حکومت و حاکمیت غیر معصوم و تحت فشار دنیای مدرن نشود و از طرف دیگر در حد توان خود به زمینه سازی و آماده سازی ذهنها و جانها برای ظهور موعود همه ادیان و منجی انسان کمک کند. والسلام علیکم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: چیز عجیبی که در آقای نصیری به چشم می خورد آن است که از یک طرف نظر به دکتر فردید به عنوان فیلسوفی که نسبت به فلسفه غرب آگاهی لازم را دارد؛ نگاهش مثبت است. ولی در نظر به فلسفه صدرایی که حتی خود آقای فردید معتقد است نگاهی است پس فردایی، و بر خود عهد می کند که آن را بازخوانی کند؛ بی توجه و بی التفات است. در حالی که اگر متوجهی مواجهه تاریخی جناب صدرا با مستشرقینی شویم که در آن زمان به اصفهان می آمدند و دائم دکارت دکارت می کردند و فلسفه دکارت را به عنوان تاریخ جدید غرب به رُخ می کشیدند؛ تأمل کنیم متوجه می شویم جناب صدرالمتألهین فلسفه حکمت متعالیه و اصالت وجود را در مواجهه در آن زمان و زمانه و آن تاریخی که گشوده شده است، به میان آورد تا با اصالت وجود، خطر دوگانگی سوژه و اُبژه در جملهی «من فکر می کنم پس هستم» را نه تنها متذکر بلکه راه عبور آن را به میان آورد و «وجود» آن چنان مد نظر قرار بگیرد که حتی فاعل شناسا در آغوش تجلیات و نفحات وجود باشد و موضوع در دستی به مشکل فرا دستی تبدیل نشود و بشر از ایده آلیسمی که بعد از کانت با هگل به اوج خود رسید را زودتر از دغدغه های هایدگر متوجه شود. و البته این بدین معنا نیست که بنده نگاه هایدگر به وجود را با نگاه صدرا به وجود منطبق بدانم، ولی سخت معتقدم اگر بعد از سفر به سوی فلسفه غرب به خصوص بعد از کانت و هگل، به هایدگر و گادامر، به حکمت صدرایی خود برگردیم متوجهی استعدادهایی خواهیم شد که به خوبی ما را در این تاریخ تغذیه می کند و تفکری که سخت برای این زمانه بدان نیاز داریم را به ما عطا می نماید. مشکل آقای نصیری در بدفهمیدن حکمت صدرایی است. موفق باشید